

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور: ایران در آسیای مرکزی و قفقاز

ابراهیم طاهری<sup>۱</sup>

### چکیده

ایران یک قدرت نوظهور است. راهبرد سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور به صورت عام و راهبرد سیاست خارجی ایران به صورت خاص در آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی و آسیای جنوب غربی از کدام نوع است؟ ایران در قالب راهبرد موازنه‌گری نرم در تلاش است با همراهی روسیه و چین جلوی هژمونی آمریکا در آسیای مرکزی را سد کند. در قفقاز جنوبی از راهبرد پرچین سازی و موازنه‌گری از بیرون برای مهار ترکیه و جمهوری آذربایجان بهره می‌گیرد و در آسیای جنوب غربی و زیر مناطق مختلف آن از راهبردهای متفاوتی استفاده می‌کند. روش پژوهش مورد استفاده از نوع تطبیق نظریه با مورد و روش مقایسه کیفی با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی است.

### ▪ واژگان کلیدی:

ایران، قدرت نوظهور، راهبرد، آسیای مرکزی - قفقاز، آسیای جنوب غربی.

---

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

<sup>۱</sup>. استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد. یزد. جمهوری اسلامی ایران. [etaheri@yazd.ac.ir](mailto:etaheri@yazd.ac.ir)

## مقدمه

سیاست خارجی کشورها به صورت علمی شامل مؤلفه‌های مهمی همچون اصول، اهداف، راهبرد، تاکتیک و نقاط هدف است. در واقع هر تحلیل علمی از سیاست خارجی کشورها قاعدتاً باید دربردارنده این مؤلفه‌ها باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به سیاست خارجی هر کشوری نوع راهبردی است که نسبت به محیط بین‌الملل برای دستیابی به اهداف خود اتخاذ می‌کند. در این رابطه می‌توان گفت راهبرد شامل جهت‌گیری کلان یک کشور نسبت به محیط بین‌الملل است که البته عمدتاً در کوتاه مدت تغییرناپذیر است. گفته شده است راهبردها شامل اهداف، ابزار و شیوه‌های دستیابی به این اهداف هستند. یکی از کشورهایی که راهبرد سیاست خارجی آن جالب توجه است جمهوری اسلامی ایران است. این کشور به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، به نظر از راهبرد اتحاد و ائتلاف با آمریکا فاصله گرفته و راهبرد خاصی را نسبت به نظام بین‌الملل در پیش گرفته است. این امر به‌ویژه با در نظر گرفتن راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی و آسیای جنوب غربی از اهمیت زیادی برخوردار است. به خصوص که تاکنون پژوهش‌های مستقلی در این رابطه صورت نپذیرفته است. در این رابطه پژوهش‌هایی به صورت عام و کلی به بررسی راهبرد سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های بایزیدی (۱۴۰۱)، پوراحمدی و حبیبی (۱۴۰۱)، فتاحی اردکانی و محمود اوغلی، برزگر (۱۳۹۷)، قاسمی و فرجی (۱۳۹۷)، جهان‌بین و پرتو (۱۳۹۱)، برزگر (۲۰۱۰) و آدمی (۱۳۸۹) اشاره کرد. در میان پژوهش‌های فوق هیچ یک به بررسی راهبرد سیاست خارجی ایران در محیط آسیای مرکزی - قفقاز و آسیای جنوب غربی نپرداخته‌اند.

علاوه بر این، همه پژوهش‌ها، به صورت عمومی به راهبرد سیاست خارجی ایران بدون توجه به ملاحظات نظری توجه کرده‌اند که البته پژوهش قاسمی و فرجی در این راستا یک استثنا است. پژوهش فرهادی و شامیری (۱۴۰۰)، به بررسی مقایسه‌ای موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران و چین پرداخته است. کریمی پور (۱۴۰۲)، با محور قرار دادن عنصر اقتصاد، باز موازنه‌گرایی در سیاست خارجی ایران را مورد توجه قرار داده است. حاجی یوسفی (۲۰۱۰)، به بررسی سیاست خارجی ایران در دوره احمدی نژاد با طرح انگاره از تقابل تا همراهی اشاره کرده که ظاهراً منظور ایشان راهبرد انطباق است (Haji-Yousefi, 2010). موسویان و چیت‌سازان (۲۰۲۰)، به بررسی راهبرد کلان سیاست خارجی ایران و تغییرات تدریجی در سیاست خارجی این کشور پرداخته‌اند. در نتیجه بررسی راهبرد

سیاسی - امنیتی قدرتهای نوظهور با تأکید بر ایران در آسیای مرکزی - قفقاز و آسیای جنوب غربی دارای اهمیت پژوهش است. با این اوصاف، سؤال پژوهش این است که راهبرد سیاست خارجی قدرتهای نوظهور با تأکید بر ایران در آسیای مرکزی - قفقاز و آسیای جنوب غربی از چه نوعی است؟ در پاسخ می‌توان ادعا کرد ایران در آسیای مرکزی - قفقاز با همراهی روسیه و چین از راهبرد موازنه‌گری نرم برای مقابله با هژمونی آمریکا بهره می‌گیرد و در آسیای جنوب غربی در قالب راهبرد موازنه‌گری سخت مبتنی بر بازدارندگی نامتقارن در برابر این کشور ایفای نقش می‌کند. برای دستیابی به اهداف پژوهش در بخش اول به بررسی ویژگی‌های راهبرد سیاست خارجی قدرتهای نوظهور پرداخته می‌شود، بخش دوم به بررسی ویژگی‌های راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی - قفقاز پرداخته است، بخش سوم ویژگی‌های راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای جنوب غربی موردتوجه قرار می‌گیرد. در آخر نیز نتیجه‌گیری و ارائه منابع خواهد بود.

**مبانی نظری پژوهش.** کشورها از طریق سیاست خارجی به صورت عام و راهبرد سیاست خارجی به صورت خاص به دنبال تحقق اهداف ملی خود در عرصه بین‌المللی هستند (Ahmed, 2020: 787). سیاست خارجی هر کشوری نیز دارای مجموعه‌ای از اصول، اهداف، راهبرد، تاکتیک و نقاط هدف است (محمدی، ۱۳۸۶). راهبرد به طرح‌ها و برنامه‌های بلندمدتی اطلاق می‌شود که یک کشور در قالبی بلندمدت تلاش می‌کند اهداف سیاست خارجی خود را از این طریق آن‌ها محقق سازد (Kitchen, 2023). در واقع می‌توان مدعی شد کشورها از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی به منظور دستیابی به امنیت در نظام بین‌الملل در قالب راهبردهای سیاسی-امنیتی بهره می‌گیرند (Lane, 1998: 8).

بررسی راهبرد سیاسی-امنیتی قدرتهای نوظهور از اهمیت زیادی برخوردار است. گرچه قدرت نوظهوری همچون ایران در آغاز مسیر قدرتیابی قرار دارد اما بررسی راهبرد آن از اهمیت زیادی برخوردار است (سلیمانی و مولایی، ۱۳۹۲: ۹). با وجود این، بسیاری از کارشناسان از ایران به‌عنوان یک قدرت نوظهوری نام می‌برند که در برابر هژمونی غربی در آسیای مرکزی - قفقاز و آسیای جنوب غربی دست به چالش زده است (Zaccara, 2016: 186). دیگران بر این باورند که ایران اگر قصد دارد در مسیر صعودی قدرت، ادامه دهد

بایستی از درگیری در امور آسیای جنوب غربی اجتناب کند (Nuruzzaman, 2009: 5). اهمیت راهبرد سیاسی - امنیتی اتخاذی توسط کشورها تا آنجاست که بسیاری بر این اعتقاد هستند که تغییر در منزلت کشورها باعث تغییر در راهبرد سیاسی - امنیتی آن‌ها

می‌شود. به طور سنتی گفته شده که قدرت‌های درجه دوم زمانی که ساختار قدرت در نظام بین‌الملل در حال تغییر است به سمت طرف ضعیف‌تر حرکت می‌کنند تا از این طریق تهدید طرف قوی‌تر را نسبت به خود برطرف سازند (Waltz, 1979: 127). برای مثال، شارحین نظریه نظام موازنه قوای سنتی، باور دارند که دولت‌ها در شرایط ظهور ریسک رفتار دوگانه، موازنه‌گری<sup>۱</sup> و سرسپردگی<sup>۲</sup> یا دنباله‌روی را انتخاب می‌کنند (Kaufman, 2008: Clady, 2004: Sweeny & Fritz, 2015). موازنه‌گری به وضعیتی اشاره دارد که در قالب آن تلاش می‌شود به لحاظ سیاسی و نظامی از ظهور یک دولت به عنوان هژمون جلوگیری به عمل آید. این در حالی است که دنباله روی اشاره به رفتاری دارد که در چهارچوب آن دولت مورد تهدید با منبع تهدید متحد می‌شود (Lake, 1996, he, 2008). با وجود این، اعمال این دو الگوی رفتاری بر کنش کنش‌گران در شرایط پیچیدگی نظام بین‌الملل امری سخت و بنظر ناممکن است. به همین خاطر اندیشمندان از الگوهای رفتاری دیگری در شرایط ظهور ریسک در قالب‌هایی همچون انطباق، احاله مسئولیت، موازنه نرم، موازنه‌گری نهادی و پرچین‌سازی سخن می‌گویند. این راهبردها متعلق به قدرت‌های نوظهور است. برای مثال، گفته می‌شود هندوستان از راهبرد انطباق در عرصه بین‌المللی بهره گرفته و شرایط خود را به گونه‌ای تعریف کرده که با وضعیت موجود و در حال گذار نظام بین‌الملل هماهنگ باشد (Chandra, 2018: 420).

در تعریف انطباق بایستی گفت این راهبرد اشاره به سیاست پذیرش و هماهنگ شدن با نظم بین‌المللی و حذف یا کاهش چشمگیر دشمنی بین قدرت‌های بزرگ و نوظهور دارد. فرایند انطباق در سیاست بین‌الملل کاملاً پیچیده است به خصوص که شامل همسویی با وضع موجود، اشتراک در نقش رهبری مطابق با عضویت نهادی و پذیرش حوزه‌های نفوذ می‌شود. این راهبرد به منزله ایجاد صلح پایدار<sup>۳</sup> یا صلح عمیق<sup>۴</sup> به وسیله کنشگران قدرتمند با اشاره به مفهوم صلح گرم<sup>۵</sup> کنت بولدینگ است. دیگران از سه نوع نظم سخن می‌گویند: جنگ، صلح سرد<sup>۶</sup> (ثبات مبتنی بر رقابت و بازدارندگی چندجانبه) یا صلح گرم (ثبات مبتنی بر همکاری و تضمین‌های چندجانبه) و همه این‌ها البته در قالب راهبرد انطباق قابل تعریف هستند (Paul, 2007: 4-5). انطباق به راهبردی اشاره دارد که توسط یک قدرت نوظهور

---

1. Balancing  
 2. Band Wagoning  
 3. Sustained peace  
 4. Deep peace  
 5. Warm peace  
 6. Cold Peace

انتخاب شده و جایگاه و امتیازات مربوط به قدرت خویش از جمله حوزه نفوذش را به رسمیت شناخته و تصمیمی برای به چالش کشیدن وضع موجود ندارد (He, 2012). این راهبرد مستلزم دوستی عمیق یا نبود رقابت نیست. با وجود این، اگر رقابت، منجر به تعارض و جنگ شدید شود، به معنای انطباق صلح آمیز نیست. البته همه قدرتهای نوظهور لزوماً به صورت صلح آمیز در مسیر راهبرد انطباق قرار نمی‌گیرند و به راحتی هنجارها و قواعد موجود را به رسمیت نمی‌شناسند. در نتیجه ممکن است برخی از قدرتها مسیر عدم انطباق را در پیش بگیرند. چرا که یک قدرت نوظهور با برخورداری از اکثریت پارامترهای مادی جایگاه قدرت بزرگ، در ایجاد و اداره حکمرانی جهانی در نظر گرفته نشود یا به میزان کمی در نظر گرفته شود. آن کشور ممکن است هدف تحریم، و حتی خشونت‌های سخت‌تری قرار گرفته باشد. آلمان و ژاپن شکست خورده بعد از جنگ این وضعیت را داشتند (Azubuike, 2006). انواع راهبردهای انطباق در نظام بین‌الملل وجود دارد. انطباق نمادیک از جلوه‌های مهم این مدل از راهبرد سیاست خارجی است که توسط یک قدرت تثبیت شده به یک قدرت نوظهور اعطاء می‌شود. رفتار ایالات متحده آمریکا با هندوستان از ۲۰۰۵ در این راستا قابل توجیه است. انطباق خاص منطقه‌ای نیز امکانپذیر است؛ جایی که به یک قدرت نوظهور در یک منطقه خاص نه در سطح جهانی برتری داده می‌شود. برای مثال، هند، برزیل و آفریقای جنوبی سه مثال از قدرتهای منطقه‌ای هستند که به آنها برتری منطقه‌ای داده شده است (Paul, 2016).

در نتیجه بایستی گفت، انطباق در سطح بین‌المللی به راهبردی اطلاق می‌شود که یک دولت سهم زیادی از حقوق مربوط به حکمرانی جهانی و حوزه نفوذ را برای خود در نظر می‌گیرد و با آن همراه می‌شود. انطباق چیزی بیش از سازش ساده است به این خاطر که سازش موقت همیشگی نیست؛ به خصوص اگر قدرت سازش‌کار از نظم موجود ناراضی باشد. در بلندمدت، انطباق شامل جایگزینی قدرت نوظهور با قدرت مسلط یا تقسیم بنیادی حقوق ناشی از جایگاه و تعهدات می‌شود، بدون اینکه جنگی درگیرد یا رقابت خصمانه‌ای را باعث شود. در جهان معاصر، انطباق خیلی پیچیدگی دارد همان‌طور که دولت‌های کوچک‌تر قادرند به لحاظ نظامی و حقوقی در برخی موارد با بهره‌گیری از ابزارهای نامتقارن دست به مقاومت بزنند؛ اقداماتی که ممکن است توسط یک قدرت نوظهور یا قدرت طرف‌دار وضع موجود برای حفظ یا باز ترسیم حوزه‌های نفوذ صورت گیرد. انطباق کامل در سطح جهانی به منزله پذیرش جایگاه یک قدرت نوظهور در عرصه جهانی در نقش رهبری‌کننده با هدف ایجاد سیاست بین‌الملل هم در حوزه‌های امنیتی و هم اقتصادی است. به خصوص حضور در

نهادهای جهانی و سازوکارهای مشورتی یعنی جایی برای صدای این کنشگر در میان هم وزن هایش تعریف شود. به علاوه این راهبرد دلالت بر پذیرش این نکته دارد که قدرت نوظهور حوزه نفوذی را به دست آورده و نبایستی آن را به چالش کشید (Koavac, 2017: 324).

یکی از مثال‌های رایج در این رابطه پذیرش قدرت ایالات متحده آمریکا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسط بریتانیا است. انطباق بخشی یا محدود ممکن است بر سازش نهادی تمرکز کند همان طوری که مخالف سازش نظامی و اقتصادی است. برای مثال، شوروی سابق، از نظر نهادی توسط ایالات متحده آمریکا و متحدینش در دوره بعد از جنگ پذیرفته شد؛ اما از نظر اقتصادی پذیرفته نشد. شوروی نیز راهبرد مشابهی را نسبت به آمریکا و متحدینش در پیش گرفت. هر دو ابرقدرت از نظر نظامی، از طریق حوزه های نفوذ انحصاری، در قالب راهبرد انطباق همدیگر را مورد پذیرش قرار داده بودند. با وجود این هر دو طرف، از پذیرش یکدیگر از نظر اقتصادی و ایدئولوژیکی اجتناب می‌ورزیدند و راهبرد مهارشان مانع همکاری بیشتر می‌شد. ایالات متحده نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را ایجاد کرد که شوروی عضو آنها نبود و در شورای مشاوره اقتصادی چندجانبه که توسط شوروی حمایت مالی می‌شد غرب حضور نداشت (Chandra, 2018: 420).

در مورد راهبرد مماشات، جان مرشایمر بر این باور است که قدرت‌های موجود، مهاجم را در مسیری صلح‌آمیزتر قرار می‌دهند به گونه‌ای که منجر به حفظ وضع موجود شود. آنها با قدرت دارای تمایلات هژمونیک این گونه رفتار می‌کنند چرا که احساس می‌کنند آسیب پذیر هستند. در قالب این راهبرد، به مهاجم امتیازی داده می‌شود به این امید که بتوان آن‌را متوقف و از جنگ جلوگیری کرد (Treisman, 2004: 346). دیگران البته این راهبرد را ناکارآمد می‌دانند و معتقدند در برابر مهاجم بایستی دست به بازدارندگی موفقیت‌آمیز زد (Aster, 2008: 443). اندیشمندان روان‌شناسی اجتماعی از دو مدل راهبرد مماشات یعنی راهبرد مماشات واکنشی<sup>۱</sup> که به دنبال کاهش سطح تعارض رخ داده است و راهبرد مماشات غیر واکنشی یا مقدماتی<sup>۲</sup> که تلاش می‌کند از وقوع تعارض جلوگیری به عمل آورد سخن می‌گویند (Treisman, 2004: 345).

از دیگر راهبردهایی که قدرت‌های نوظهور در پیش می‌گیرند، موازنه‌گری نرم است. این راهبرد، امکانات زیادی را برای تخفیف هژمونی پیش روی هند، برزیل و آفریقای جنوبی قرار داده است (Flemes, 2007). به باور رئالیست‌ها، تغییر در قطبیت سیستم و شکل‌گیری

<sup>۱</sup>. Reactive Appeasement

<sup>۲</sup>. Anticipatory Appeasement

نظام موازنه قوای نامتوازن (مرشایمر، ۱۳۸۹)، باعث شده که قدرت‌های درجه دوم دست به موازنه بر علیه هژمون بزنند و رفتار خاصی را از طریق موازنه بخشی در برابر برتری قدرت ایالات متحده آمریکا به نمایش گذارند، اما از آنجایی که توان موازنه‌گری سخت در برابر هژمون را ندارند به سمت موازنه‌گری نرم حرکت می‌کنند (Paul, 2005). به‌خصوص که توان نظامی و اقتصادی لازم برای مواجهه مستقیم با آمریکا را ندارند (Ikenberry, 2002). در نتیجه می‌توان گفت موازنه‌گرایی نرم، اشاره به راهبرد دولتی درجه دومی دارد که از تاکتیک‌های غیر مستقیم برای موازنه بخشی در برابر قدرت برتر نظام بین‌الملل استفاده می‌کند. هدف این راهبرد به تأخیر انداختن و خنثی کردن ظرفیت تهاجمی هژمون در نظام بین‌الملل، از طریق افزایش هزینه اقدام و به تحلیل بردن قدرت نسبی آن به ویژه در شرایط تهدیدکنندگی است (He & Feng, 2008). هدف آن است که از رفتار بد هژمون جلوگیری به‌عمل آید، از رفتارهای بد آن در دیدگان دولت‌های سوم مشروعیت‌زدایی شود و پیام موازنه سخت را به این قدرت منتقل کند (Walt, 2004: 17).

با وجود این، همان‌طور که استفان والت نیز خاطرنشان می‌کند آغاز چنین کنشی بستگی به روابط مستحکم بین متولیان موازنه‌گری نرم به منظور کسب نتایج قابل توجه در برابر برتری ایالات متحده آمریکا دارد که به دست نمی‌آید مگر اینکه درجه ای از حمایت چندجانبه در برابر برتری آن وجود داشته باشد. این دیدگاه منکر قلمروگرایی، حامی درگیری و گسترش دیپلماسی نهادی، بالابردن ظرفیت اقتصادی، و ارسال پیام برای مشارکت در اتحادی موازنه بخش است و می‌تواند منجر به ضعیف تر شدن قدرت نظامی هژمون در نبردها شود (Pape, 2005: 36). موازنه‌گری نرم هم در سطح کلان نظام بین‌الملل امکان وقوع دارد و هم در سطح میانی یعنی منطقه‌ای. به‌واقع از یک منطقه به‌عنوان منطقه حائل استفاده می‌کنند تا حضور و نفوذ خارجی یک قدرت بیرونی را در یک منطقه خاص کاهش یا حذف کنند (Ferguson, 2012: 200). علاوه بر این، از ظرفیت‌های نظامی محدود نیز می‌توان استفاده کرده که در قالب موازنه سخت محدود معنا دارد. بنابراین، اینجا موازنه‌گری نرم شامل یک جز نظامی نیز می‌شود تا دولت‌هایی که درگیر موازنه‌گری نرم هستند این پیام را به قدرت برتر منتقل کنند که می‌توانند از ظرفیت نظامی برای حمایت از اهداف استراتژیکشان استفاده کنند (Paul, 2019). دیدارهای منظم بین وزرای دفاع، فراخوان‌ها در بنادر، رزمایش‌های مشترک، گفتگوی‌های استراتژیک و تولید مشترک سامانه‌های دفاعی بیانگر این بعد نظامی است. به‌واقع می‌توان ادعا کرد موازنه‌گری نرم ممکن

است در مسیر موازنه‌گری سخت‌تر قرار داشته باشد به خصوص اگر همکاری امنیتی تشدید شود و دولت قوی‌تر تبدیل به تهدیدگر شود (Pape, 2005).

موازنه‌گری نرم ممکن است به سمت راهبرد موازنه‌گری سخت متمایل شود. البته که چنین انتقالی در ابتدا به صورت موازنه‌گری سخت محدود صورت می‌پذیرد که مبتنی بر شکل‌دهی به ظرفیت‌های نظامی محدود و اتحادیه‌های شبه‌رسمی همچون مشارک استراتژیک است که اجازه اقدامات مشترک و اشتراک منابع استراتژیک را می‌دهد. اما هنگامی که یک تهدید برای بقای یک کشور وجود دارد می‌توان انتظار داشت که سرانجام منجر به موازنه‌گری سخت شود. در نهایت اینکه، نیروهای پیش‌ران خاص یا پیش‌شرط‌هایی بایستی برای در پیش گرفتن موازنه‌گری نرم وجود داشته باشد؛ قدرت هژمون و رفتار نظامی آن عامل این وضعیت است (Pape, 2005: 9). چهار سازوکار غیرنظامی که منجر به موازنه‌گری نرم می‌شود شامل: امتناع از استفاده از قلمرویی که برای دولت در معرض تهدید از نظر زمینی، هوایی و دریایی، حیاتی است؛ درگیر دیپلماسی شدن به گونه‌ای که طرح‌ها و سیاست‌های دولت برتر را به خصوص با استفاده از نهادهای بین‌المللی، به تحلیل برد؛ سیاست‌گذاری اقتصادی از طریق تقویت بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و متنوع‌سازی تجاری به وسیله کنش‌گران غیردولتی و سرانجام؛ تعهد و هماهنگی چندجانبه به مقاومت در برابر سیاست‌های دولت برتر یا تهدیدکننده (Larionova, 2020).

با وجود این گفته می‌شود کشورها لزوماً از راهبردهای بالا برای ایجاد نفوذ در عرصه بین‌المللی استفاده نمی‌کنند و ممکن است به سراغ راهبردهای دیگری روند. پرچین‌سازی از جمله این راهبردها است که البته گفته می‌شود مخصوص قدرت‌های میانی در نظام بین‌الملل است. در مورد راهبرد پرچین‌سازی گفته شده ترکیبی از دو راهبرد موازنه‌گری و سرسپردگی است (Wilkins, 2021: 93). می‌توان ادعا کرد پرچین‌سازی راهبرد اصلی سیاسی-امنیتی قدرت‌های میانی و حتی ضعیف‌تر در نظام بین‌الملل معاصر است. برای مثال گفته شده ژاپن و دیگر کشورها در آسیای جنوب شرقی برای مواجهه با ریسک ظهور چین از این راهبرد بهره می‌برند (Chwee Kuik, 2016: 1). در مورد راهبرد پرچین‌سازی، دنی روی بر این باور است که دولت‌ها در برابر قدرت بالقوه ظهور یک هژمون منطقه‌ای، چهار انتخاب دارند: موازنه‌گری، سرسپردگی، درگیرسازی و پرچین‌سازی. دولت‌ها در شرایطی به سمت راهبرد پرچین‌سازی حرکت می‌کنند که با درجه بالایی از پیچیدگی و ابهام در مورد تمایلات واقعی یک قدرت نوظهور روبرو هستند. در نتیجه گفته شده است که پرچین‌سازی

به عنوان راهبردی عمومی در نظر گرفته می‌شود که در قالب آن یک قدرت میانی از بیش از یک گزینه راهبردی برای امکان ظهور یک تهدید امنیتی در آینده استفاده می‌کند. قدرت‌های میانی ممکن است به طور هم‌زمان از راهبرد پرچین سازی نرم و سخت برای مقابله با ریسک ناشی از تهدید یک قدرت نوظهور استفاده کنند. پرچین سازی نرم شامل حوزه‌های دیپلماتیک و اقتصادی می‌شود. به واقع در این دو حوزه روابط را گسترش می‌دهند. پرچین سازی سخت شامل به کارگیری راهبردهایی که شبیه به موازنه گری است می‌شود. در واقع در این قالب بالابردن ظرفیت‌های دفاعی یا در پیش گرفتن راهبرد اتحاد با یک قدرت دیگر برای مقابله با ریسک نوظهور اهمیت پیدا می‌کند (Vidal & Pelegrin, 2018: 3-4).

### راهبرد سیاسی - امنیتی ایران در آسیای مرکزی - قفقاز

نگاه به آسیای مرکزی - قفقاز در سیاست خارجی ایران طی سال‌های اخیر در قالب سیاست نگاه به شرق<sup>۱</sup> دچار تحولات بنیادی شده است. ایران از این طریق قصد دارد از انزوای ناشی از تحریم‌های بین‌المللی خارج شود (Gaspareto, 2021:88). در واقع این کلان منطقه، با برخورداری از مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، زمینه لازم برای دستیابی ایران به اهداف سیاست خارجی‌اش را فراهم می‌آورد. از نظر سیاسی - امنیتی، مهم‌ترین تهدیدی که در این منطقه پیش روی ایران است، هژمونی طلبی آمریکا است که به همراه کشورهای همچون کوبا و کره شمالی بیشترین آسیب را از آن دیده‌اند (Shariatinia & Azizi, 2019: 992). دیگر کنش‌گران در آسیای مرکزی - قفقاز از جمله چین و روسیه نیز هژمونی لیبرال را عنوان یک تهدید مشترک در این منطقه درک می‌کنند؛ به خصوص روس‌ها برای موازنه‌گری در برابر آمریکا و مقابله با نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به ایران توجه ویژه‌ای دارند (Flangan, 2013: 172). هر سه کشور ایران، روسیه و چین از ایجاد جهان چندقطبی با مشارکت دیگر کنش‌گران حمایت می‌کنند (Shariatinia & Azizi, 2019: 992). بنابراین ایران، در کنار دو کشور دیگر از مجموعه‌ای از ابتکارات با هدف بازتوزیع مجدد قدرت در این منطقه از جهان بهره می‌گیرند که می‌توان به آن موازنه‌گرایی نرم نام نهاد.

انکار قلمروگرایی و گسترش سرزمینی از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های راهبرد موازنه‌گرایی نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی - قفقاز است. منظور رد کردن نفوذ رقیب به درون مناطق نفوذ حیاتی این کنشگران است. شاید به همین خاطر است که ج.ا.ا،

<sup>۱</sup>. Look to the East Policy

گسترش ناتو به شرق را تهدیدی جدی بر علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند (https://www.reuters.com). روس‌ها نیز دلیل جنگ در اوکراین را در این مسئله جستجو می‌کنند (Wolff, 2015:1103). در کنار این مورد، تهران تلاش می‌کند با هرگونه تغییر و تحولاتی که در مرزها رخ می‌دهد مقابله کند. چرا که یکی از سازوکارهای غیرنظامی، مخالفت با قلمروگرایی است که موازنه‌گرایی نرم را امکان‌پذیر می‌سازد و منجر به کاهش یا حذف حضور نظامی و نفوذ خارجی توسط یک قدرت فرامنطقه‌ای به درون یک منطقه خاص می‌شود (Ferguson, 2012: 208). یکی از جلوه‌های این مسئله توسط ایران، مداخله‌گرایی غرب در بحران سوریه بود که باعث شد تهران تلاش کند مانع از تغییر رژیم در این کشور شود (Abei, 2023; Khatib, 2021). علاوه بر این، در بحران آذربایجان و ارمنستان نیز ایران تلاش می‌کند از افزایش نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی جلوگیری به عمل آورد (Azizi & Hamidfar, 2020: 169). ایران تلاش می‌کند در بحران‌های مختلف از جمله قفقاز جنوبی در برابر مداخله‌گرایی غرب دست به موازنه زده و زمینه حل بحران‌ها را فراهم آورد همان‌طور که در مورد سوریه این اتفاق افتاد (Noori & Masoudi, 2023:56). سابقه فعالیت ایران برای حل بحران قره‌باغ دلالت آشکاری از این مسئله است (Azizi & Hamidfar, 2020). از این طریق، ایران و متحدینش تلاش دارند از نفوذ آمریکا در محیط پیرامونی یعنی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی جلوگیری کنند (Walt, 2005: 113).

تقویت ظرفیت‌های اقتصادی نیز به‌ویژه بعد از خروج ترامپ از برجام باعث شده سه کشور موافقت‌نامه‌های مختلفی را در زمینه‌های انرژی، زیرساختی، معدن و کشاورزی جهت همکاری بیشتر امضاء کنند که به مانعی جدی بر سر راه تأثیرگذاری تحریم‌های آمریکا در ارتباط با ایران تبدیل شده است (Butch, 2021). از این طریق این سازوکار نه فقط توان ایالات متحده برای بهره‌مندی از این رفتار بد<sup>۱</sup> را به حداقل می‌رساند؛ بلکه اثبات کرده‌اند که از درخواست و تقاضاهای آمریکا نیز پیروی نکرده و حتی آن‌ها را نادیده می‌گیرند (Walt, 2005: 113). ایران با همراهی روسیه و چین با هدف خنثی‌سازی تحریم‌های مختلف آمریکا دو اقدام، عضویت در اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی-قفقاز و دلارزدایی از اقتصاد را در دستور کار قرار داده به‌گونه‌ای که در مورد اولی از ۲۰۱۹ م، موافقت‌نامه با ایران به مرحله اجرایی درآمده است (Adarov & ghodsi, 2021: 125). پذیرش کامل ایران در اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی - قفقاز باعث شده از سال ۲۰۱۹، مبادلات تجاری ایران با

<sup>۱</sup>. Bad Behavior

کشورهای منطقه‌ای ۱۸ درصد افزایش داشته باشد. علاوه بر این، با عضویت ایران به نظر در عملیاتی‌شدن کریدورهای اقتصادی شمال - جنوب و شرق - غرب تسریع صورت گیرد که بر منزلت ژئوپلیتیک ایران اضافه می‌کند (Gaspareto, 2021: 95). بر طبق برخی آمارها، صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا یعنی روسیه، ارمنستان، قزاقستان، بلاروس و قرقیزستان، بیش از ۵۶ درصد رشد داشته است؛ با وجود این، از واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه کاسته شده است (Gaspareto, 2021: 98). اجرایی‌شدن موافقت‌نامه همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، پیامی به غرب و هژمونی آمریکا است. همان‌طور که حسن روحانی در اجلاس هیئت‌سازمان در ایروان در ۲۰۱۹ م بیان داشت: جامعه بین‌المللی بایستی تصمیمی قطعی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و رهیافت همراه با دشمنی ایالات متحده آمریکا اتخاذ کند. نظام بین‌الملل بر مبنای چندجانبه‌گرایی و همکاری میان دولت‌های عضو این جامعه پایه‌گذاری شده است (Al-Manar, 2019).

یکی دیگر از سازوکارهای موازنه‌گری نرم درگیر کردن دیپلماتیک از طریق نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای است که توسط قدرت‌های درجه دوم برای به تحلیل بردن طرح‌ها و سیاست‌های دولت پیشرو که از طریق سلطه بر نهادهای بین‌المللی امکان‌پذیر است (He, 2008: 492). هنگامی که از اصطلاح دیپلماسی فراگیر در نهادهای بین‌المللی استفاده می‌کنیم، همکاری میان قدرت‌های مهم منهای ایالات متحده آمریکا را شامل می‌شود (Pape, 2005: 40) یکی از جلوه‌های این سازوکار، رای هماهنگ در مجمع عمومی و شورای امنیت بر خلاف آمریکا در سازمان ملل متحده است (Walt, 2005: 126). رای‌دهی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بازتاب هم‌نوایی سیاسی، جهان‌بینی مشترک و تمایل سیاسی دولت‌ها می‌باشد (Bailey et al., 2017). یکی از جلوه‌های هماهنگی در رای میان ایران، روسیه و چین، مخالفت ایران و روسیه با تعلیق روسیه از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به خاطر جنگ اوکراین است (UN News, 2022). چین در مخالفت با قطعنامه آن را سیاسی‌کاری خواند که می‌تواند منجر به رویه‌ای خطرناک در نظام ملل متحد گردد. هر دو کشور در خرداد ۱۳۹۹ پیش‌نویس قطعنامه تحریمی آمریکا بر علیه ایران را وتو کردند (Nichols, 2020).

در سطح منطقه‌ای نیز سازمان همکاری شانگهای، مثالی آشکار از سازوکار موازنه‌گری نرم است که در برابر هژمونی طلبی آمریکا شکل گرفته است (Ferguson, 2012:). همان‌طور که اسناد سازمان به‌کرات هژمونی آمریکایی را نفی می‌کند و در عوض طرفدار ایجاد نظامی

چندقطبی در عرصه جهانی است (Hanova, 2009: 64). ایران از سال ۲۰۰۱ به‌عنوان عضو ناظر و در سال ۲۰۲۱ به‌عنوان عضو کامل در سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شد. پذیرش تهران در سازمان، شکل‌گیری جبهه‌ای متقابل در برابر هژمونی آمریکا در منطقه است. همان‌طور که رئیس‌جمهور ایران، ابراهیم رئیسی بیان کرد: "پذیرش ایران در سازمان همکاری شانگهای نشان از این دارد که جهان وارد دوره جدیدی شده است. موازنه بین‌المللی در مسیر چندقطبی و توزیع قدرت است" (Aljazeera, 2021).

یکی دیگر از اجزای موازنه‌گری نرم، اشاره به موازنه سخت محدود<sup>۱</sup> دارد که خود را در قالب‌هایی همچون برگزاری مانورهای مشترک نشان می‌دهد (Paul, 2018). در این رابطه سه کشور اولین مانور مشترک نظامی‌شان را در خلیج فارس در دسامبر ۲۰۱۹ برگزار کردند (https://www.reuters.com). علاوه بر این، در اقیانوس هند در دسامبر ۲۰۲۱ و ۱۶ مارس ۲۰۲۳ نیز رزمایش مشترک دریایی برگزار کردند (https://www.aljazeera.co).

زمان برگزار اولین مانور تصادفی نبود و یک ماه بعد از ایجاد اولین پایگاه امنیت دریایی به رهبری ایالات متحده آمریکا است؛ بنابراین زمانی این اتفاق رخ داد که تنش‌ها بین تهران و واشنگتن به حداکثر میزان خود رسیده بود (Katzman et al, 2020). بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشمندان سیاسی، با در نظر گرفتن زمان همکاری نظامی و مکانش بر این باور بودند که حامی پیامی به واشنگتن بوده است. در نتیجه، این رزمایش‌های مبتنی بر همکاری ویژه دلالت بر استفاده از سازوکار موازنه بخشی دیگری داشت که سعی می‌کرد ابتکار آمریکا را به تأخیر اندازد و نفوذش را در خلیج فارس و مناطق وسیع‌تری که به دنبال قلمروی بیشتری است را به حداقل برسانند. با وجود این، رزمایش‌های دریایی اخیر و دیدارهای منظم بین نمایندگان دفاعی می‌تواند نهایتاً منجر به موازنه‌گرایی سخت محدود شده شود.

به همین ترتیب، اتمام زمان تحریم‌های تسلیحاتی بر ایران در نوامبر ۲۰۲۰ تبدیل به فرصتی برای چین و روسیه شد تا سامانه‌های نظامی جدید ایران را تقویت کنند. چیزی که در قالب مشارکت جامع استراتژیک با چین و مذاکرات با روسیه اتفاق افتاد. با فرض اینکه روسیه ایران را به سامانه‌های دفاعی از جمله اس ۳۰۰ تقویت کرده است می‌توان گفت این اقدام در قالب موازنه‌گری نرم معنا پیدا می‌کند. با وجود این، می‌توان آن‌ها را در قالب موازنه سخت محدود نیز ترسیم کرد که در برابر آمریکا این پیام را منتقل می‌کند که قصد همکاری باهم در این رابطه را دارند.

<sup>۱</sup>. Hrad Limited balancing

سازوکار نهایی در قالب نشانه‌های حرکت و تصمیم به سمت موازنه سخت است به گونه‌ای که هم نزدیک کنند که منجر به رفتار موازنه‌گرایانه چندجانبه است (Pape, 2005: 37). این سازوکار، عموماً اشاره بر بیان آشکار اراده واحد برای اقدام جمعی یا شکل دادن به یک اتحاد متقابل دارد. به علاوه، اشاره به تعهد برای مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های آینده ابرقدرت دارد (Pape, 2005: 37). هم اکنون این سازوکار، فرض را بر سطح مشخصی از حمایت چندجانبه و هماهنگ در اظهارات و مواضع سه کشور در فرصت‌های زمانی مختلف دارد. با وجود این، سه کشور، از القای این معنی که به دنبال شکل دادن به یک اتحاد یا نشانه‌ای برای موافقت‌نامه‌های دفاعی رسمی هستند، اجتناب می‌کنند. رزمایش دریایی مشترکشان در خلیج عمان تحت عنوان کمربند امنیت دریایی در ژانویه ۲۰۲۲ مثالی از این بی‌میلی است. اگرچه این رزمایش در یک شرایط پیچیده امنیتی بین چین و ایالات متحده آمریکا به خاطر ترس از حمله به تایوان رخ داد، سه کشور از ارجاع به آن به عنوان معنی ضمنی برای اتحاد در حال ظهور اجتناب کردند. اظهارنظرهای بعدی آنها از آن به عنوان حفاظت مشترک از امنیت دریایی و حمایت از صلح جهانی، امنیت دریایی و ایجاد جامعه دریایی با نگاه به آینده مشترک دلالت داشت. به علاوه، سه کنشگر نشان دادند که اگرچه در استفاده از ارسال پیام‌هایی برای شکل دادن به سازوکار موازنه‌ای از طریق یک اتحاد فوری اجتناب می‌ورزند، اما از رزمایش مبتنی بر همکاری ویژه برای بیان رفتار موازنه‌بخشی نرم استفاده می‌کردند. البته ایران، ارمنستان و هندوستان با هم در قفقاز جنوبی همکاری‌هایی را شروع کرده‌اند.

#### ۱. سیاست ایران نسبت به جمهوری آذربایجان: مصون‌سازی

رویکرد سیاست خارجی ایران نسبت به جمهوری آذربایجان در قالب ترکیبی از عمل‌گرایی و ایدئولوژی اسلامی قرار دارد که البته این امر خود با وجود اصل نه شرقی و نه غربی معنا پیدا می‌کند. در این راستا با وجود موضوعات و چالش‌های دوجانبه در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان دو کشور از طریق عمل‌گرایی هدایت می‌شد. این امر در قالب تعارض ناگورنو قره باغ میان آذربایجان و ارمنستان، همکاری رژیم صهیونیستی - آذربایجان، تعیین خطوط دریایی در خزر و ... قرار داشت (Abasov, 2014: 143).

اولین جرقه‌های اختلاف میان دو کشور زمانی رخ داد که جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۴ در قالب پروژه قرن ۲۵ درصد از سهام آن را به شرکت‌های ایرانی اختصاص داد که البته تحت تأثیر فشارهای آمریکا مجبور به اخراج شرکت‌های ایرانی از کنسرسیوم مربوطه

شد. همین امر هم باعث حرکت کشتی های نظامی ایران با هدف جلوگیری از بهره برداری از میادین نفتی توسط شرکت بریتیش پترولویم در نزدیکی مرزهای خود شود که البته باعث نگرانی جمهوری آذربایجان شد.

دومین عامل تشدید تنش میان دو کشور ادراک جمهوری آذربایجان از حمایت ایران در مناقشه معروف ناگورنو قره باغ بود. اگرچه تهران در این مناقشه اعلام بی طرفی می کرد؛ اما باکو بر این باور بود که حمایت های نظامی - امنیتی ایران باعث موفقیت جمهوری ارمنستان در این مناقشه شده است.

سومین عامل تنش در روابط دوجانبه در روابط دو کشور ناشی از همکاری میان آذربایجان و رژیم صهیونیستی به ویژه از دهه دوم قرن بیست و یکم است. در سال ۲۰۱۲ جمهوری آذربایجان قرارداد ۱.۴ میلیارد دلاری خرید ادوات نظامی از رژیم صهیونیستی را نهایی کرد. در همین سال تجارت نفت میان دو کشور بیش از ۳ میلیارد دلار است (Fiske, 2013).

روابط دو کشور به خاطر راهبرد همکاری جویانه رئیس جمهور ایاز متلیم اف با روسیه در مسیر بهبودی با ایران قرار گرفت. با وجود این روابط دو کشور در زمان ایلچی بیگ در مسیر تنش فزاینده قرار گرفت. زیرا وی الحاق آذربایجان جنوبی به جمهوری آذربایجان های را پیش شرط حل مناقشه قره باغ کوهستانی می دانست. علاوه بر این، دوره روابط دوجانبه به دلیل نارضایتی ایران از سیاست خارجی طرفدار ترکیه تیره بود (Abasov, 2014: 143). بنابراین ایران در قالب موازنه گرایی سخت تلاش می کرد اقدامات ترکیه و آذربایجان در قفقاز جنوبی را از طریق حمایت از ارمنستان مهار کند. با وجود این، با روی کار آمدن حیدر علی اف بهبود رابطه میان دو طرف در دستور کار قرار گرفت. چندین بار به ایران سفر کرد و در طی این سفرها بر حفظ تمامیت ارضی کشورها تأکید می کرد. با وجود این با روی کار آمدن الهام علی اف روابط دو کشور در مسیر دگرگونی راهبردی قرار گرفته است. در اتحاد میان رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان از منظر موازنه تهدید و تلقی ایران به عنوان دشمن مشترک قابل درک است. این طرز تلقی و نزدیکی به رژیم صهیونیستی باعث شده جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش کند جمهوری آذربایجان را مهار کند. بدینی تهران به باکو در مقابل اعتماد تهران به ایران و تلاش برای تغییر مسیر گذر کریدور شمال - جنوب از ارمنستان در قالب راهبرد موازنه گری معنا پیدا می کند (رجبی، ۱۴۰۱: ۵۳). جنگ اخیر آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ و تلاش آذربایجان برای قطع مرز زمینی ایران و جمهوری ارمنستان در این راستا قابل توجه است. موفقیت های آذربایجان و اقدامات ایران

باعث شد که طبق بررسی‌های، موسسه جمهوری خواه در سال ۲۰۲۳، ۵۴ درصد از ارمنی‌های مورد بررسی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم‌ترین شریک امنیتی ارمنستان معرفی کنند (Gevorgyan, 2023).

پیروزی جمهوری آذربایجان برای ترکیه نیز یک مزیت است. در واقع ترکیه به این شکل با خزر و آسیای مرکزی به راحتی ارتباط برقرار خواهد کرد و بازی ژئوپلیتیک مدنظر خویش را عملیاتی خواهد کرد (Panahi and Eqbal, 2015). با وجود این ایران آگاه است که با فشارهای بیشتر بر آذربایجان، نزدیکی بیشتر میان این کشور با رژیم صهیونیستی رخ خواهد داد در نتیجه ایران الفاظ را تغییر داده و در قالب همان راهبرد موازنه‌گری تلاش می‌کند با باکو روبرو شود. در واقع می‌توان گفت اهداف و منافع ایران در منطقه تغییر نکرده است و همچنان به سیاست موازنه‌سازی خود ادامه می‌دهد و در روابط با آذربایجان از ابزارهای که جنبه تهدیدانگاری کمتری دارد و همچنین تلاش برای بازسازی رابطه همکاری جویانه استفاده می‌کند (Gevorgyan, 2023) که البته شاید در قالب راهبرد مصون‌سازی قابلیت درک بیشتری را داشته باشد. به خصوص که با وجود لفاظی‌های آتشین میان طرفین در میانه جنگ سال ۲۰۲۰ قره‌باغ، چراغ سبزهایی برای عملیاتی کردن پروژه‌های مختلف از جمله پروژه‌های اقتصادی در دستور کار قرار گرفته است.

ایران ضمن آمادگی برای مواجهه نظامی، اهدافی همچون شناسایی از سوی بازیگران و ایجاد زمینه مساعد برای افزایش نفوذ این کشور در منطقه علاقه‌مند است. در نتیجه، ایران طبیعتاً مایل است بخشی از یک سازمان منطقه‌ای باشد که هنوز فقط در سطح اعلامیه‌ها وجود دارد و شامل هر شش کشور منطقه (ایران، ترکیه، روسیه، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان) ساختار امنیتی ۳+۳، باشد و با همکاری با اتحادیه اوراسیا و سایر ابتکارات منطقه‌ای، بر اعتبار و منزلت خود اضافه کند. در نهایت، حفظ روابط با ارمنستان نیز یکی از منافع مهم ایران در ارتباط با آذربایجان است، زیرا به مقابله با نگرش منفی این کشور در منطقه کمک می‌کند و پیش‌نیازی برای تقویت قدرت نرم است که به همسایگان مسیحی این پیام را منتقل می‌کند که قادر است در مسیر ناآرامی‌های سیاسی گام بردارد تا از روایتی که ایران را به عنوان یک کشور اسلامی افراطی معرفی می‌کند جلوگیری به عمل آورد. در نهایت بایستی گفت ایران تهدیدات آذربایجان را به صورت چند وجهی مدیریت می‌کند تا از نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی جلوگیری به عمل آورد و همزمان مرز خود با ارمنستان را نیز حفظ کند.

## ۲. سیاست ایران نسبت به ترکیه در آسیای جنوب غربی

از زمان وقوع انقلاب ۱۹۷۹ ایران با تهدیدات زیادی در محیط پیرامون خود به ویژه آسیای جنوب غربی روبرو بوده است که از جمله آن‌ها، می‌توان به حضور آمریکا، دشمنی رژیم صهیونیستی و بدگمانی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در این منطقه اشاره کرد. به این تهدیدات می‌توان ظهور گروه‌های سلفی همچون داعش را نیز اضافه کرد. اهمیت این تهدیدات زمانی بیشتر می‌شد که بدانیم ایران عضو هیچ پیمان امنیتی نیست؛ همانطور که ترکیه عضو ناتو است. به علاوه چهار قدرت هسته ای یعنی رژیم صهیونیستی، پاکستان، روسیه و هند را در اطراف خود می‌بیند (Juneau & Razavi, 2013: 1). بدون تردید ایران در آسیای جنوب غربی تلاش می‌کند در برابر هژمونی آمریکا متحد آن رژیم صهیونیستی، راهبرد سیاست خارجی خود را تعریف کند. در واقع از زمان وقوع انقلاب ۱۹۷۹ ایران، تلاش برای از بین بردن سلطه خارجی که البته یکی از نمادهای آن صهیونیستی است را در روابط خارجی خود در دستور کار قرار گرفته است (Mousavian & Chitsazan, 2020; 100). در نتیجه تقابل میان راهبردهای سیاسی-امنیتی دو کشور امری بدیهی به نظر می‌رسد. ایران تلاش می‌کند با همراهی چین و روسیه، مانع از سیطره آمریکا بر آسیای جنوب غربی شود (Bordachev & Et al, 2018: 35).

به ویژه از ۲۰۱۸ میلادی و بعد از خروج آمریکا از برجام، زمزمه هایی از اتحاد راهبردی به ویژه میان ایران و روسیه توسط پژوهشگران حوزه روابط بین الملل طرح شده است (رسولی ثانی آبادی، ۱۴۰۲). در نتیجه، مواجهه با هژمونی آمریکا به یک دستور کار جدی در دستگاه سیاست خارجی ایران، روسیه و حتی چین در عرصه جهانی تبدیل شده است. نوعی احاله مسئولیت میان سه کنش گر به صورت مشترک برای مقابله با هژمونی غربی صورت پذیرفته است. قسمت اروپایی با تاکید بر شرق اروپا بر عهده روسیه، آسیای جنوب غربی، بر عهده ایران و آسیای جنوب شرقی به عهده چین است (Tabarani, 2008: 1). ویژگی‌هایی که باعث می‌شود ایران در این رابطه مسئولیت مقابله با هژمونی آمریکا را بر عهده گیرد به توانمندی نظامی ج.ا. برای هدف قرار دادن تهدیدات منطقه ای و فرامنطقه ای، نیروهای نیابتی ایران در منطقه از جمله حزب الله، حماس، انصارالله یمن و ... در منطقه غرب آسیا و نهایتاً ظرفیت‌های ایدئولوژیکی مربوط به اسلام سیاسی است (Tabarani, 2008: 16-17).

این امر البته مطابق با اهداف ایران نیز می‌باشد. این کشور، بر اساس ویژگی‌های احاطه کننده ژئوپلیتیک مناطق مختلف، راهبردهای خاصی را برای مقابله با هژمونی آمریکا

برگزیده است (قاسمی، ۱۳۹۳). به همین خاطر می‌توان گفت ایران در آسیای جنوب غربی برای مقابله با تهدید آمریکا و رژیم صهیونیستی به ویژه در شامات به سمت راهبرد موازنه سخت حرکت کرده است تا از این طریق حضور مستقیم نظامی آمریکا و نفوذ آن را در منطقه به حداقل برساند (Barzegar, 2018: 4). در واقع ایران از دو راهبرد موازنه گری سخت از درون و بیرون برای دستیابی به اهداف خود استفاده کرده است.

ابزارهای جمهوری اسلامی ایران در این رابطه شامل دیپلماسی سنتی، حمایت از رهبران منطقه‌ای طرفدار خویش از جمله بشار اسد و گروه‌هایی همچون حماس و حزب الله است (Katzman, 2016: 17-18). در غرب آسیا به صورت عام و منطقه شامات به صورت خاص ایران تلاش می‌کند با معمای امنیتی در این منطقه روبرو شود. نابودی حکومت صدام در ۲۰۰۳ میلادی، جنگ داخلی سوریه و حوادث مشابه در آسیای جنوب غربی منجر به خلاء قدرتی شده است که کشورهای منطقه‌ای به ویژه ایران، عربستان سعودی و ترکیه در کنار قدرت‌های فرامنطقه‌ای یعنی ایالات متحده آمریکا به دنبال پر کردن آن هستند (Muslu El Berni, 2018: 118). ایران در این رقابت نگران است که افزایش نفوذ دیگران منجر به کاهش نفوذ این کشور در منطقه حیاتی شامات شود. در نتیجه جنگ سوریه تداعی‌گر بازی حاصل جمع جبری صفر برای جمهوری اسلامی ایران بود که باخت در آن می‌توانست منجر به هزینه‌های زیادی برای این کشور شود (Byman, 2014: 89). در واقع ایران، به دنبال کاهش نفوذ آمریکا در منطقه، پرستیژ منطقه‌ای و بین‌المللی و احیای جایگاه گذشته دور خویش در آسیای جنوب غربی است (Mearsheimer & Walt, 2016). تهاجم عراق به کویت، حادثه ۱۱ سپتامبر، تهاجم آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ و انقلاب‌های عربی - اسلامی و جنگ غزه در ۲۰۲۳ همه بر قدرت نسبی ایران و نقش آن در امور منطقه‌ای تأثیر گذاشته‌است. ایران به خوبی درک کرده است که اگر فعال عمل نکند نفوذ آمریکا در محیط منطقه‌ای آسیای جنوب غربی افزایش پیدا می‌کند و منجر به تهدید بر علیه موجودیت‌اش می‌شود. در واقع ایران درک کرده که همه این حوادث منجر به خلاء قدرتی شده که اگر توسط این کشور پر نشود، آمریکا و رقبای منطقه‌ای یعنی عربستان و ترکیه آن را پر خواهند کرد (Muslu El Berni, 2016: 129). در برابر ایران، ایالات متحده‌ای قرار دارد که با در پیش گرفتن راهبرد مهار سیستمی<sup>۱</sup> تلاش دارد نفوذ ایران را به حداقل برساند. راهبردی که از سه نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی از سوی واشنگتن و متحدان

---

<sup>۱</sup>. System Containment

منطقه ای اش برای فشار بر ایران و تغییر جهت سیاست خارجی این کشور اعمال می‌شود (Krasnov & Yurtaev, 2016:626). از نظر نظامی تلاش برای کنترل تسلیحاتی ایران در دستور کار است، از نظر سیاسی اتحادی از کشورهای عربی بر علیه ایران شکل گرفته و از نظر اقتصادی، در قالب تحریم‌ها تلاش‌ها برای مهار ایران ادامه دارد. برای مثال در دوره ریاست جمهوری ترامپ، تلاش می‌شد اتحادی از کشورهای منطقه‌ای بر علیه این کشور شکل گیرد که اعضای اصلی آن شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر بود. به‌نظر ایران برای هر یک از زیر مناطق آسیای جنوب غربی از راهبرد خاصی استفاده می‌کند. در منطقه شامات در قالب موازنه سخت نظامی از درون و از بیرون تلاش دارد رژیم صهیونیستی را مهار کند. برای تحقق این آرمان جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد از راهبرد بازدارندگی شبکه‌ای نامتقارن بر علیه این رژیم استفاده کند. در قالب این شبکه، راهبرد دفاع جمعی یک اولویت است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹۲). در این شبکه متحدان منطقه‌ای ایران در منطقه شامات از جمله حزب الله در لبنان، حماس در فلسطین اشغالی و بشار اسد در سوریه در تلاش هستند جلوی پیشروی رژیم صهیونیستی در مرزهای مشترک را سد کند (Hokayem, 2010: 1). محور دوم این شبکه، سوریه است که از زمان وقوع انقلاب ایران در ۱۹۷۹ به متحد راهبردی ایران در منطقه شامات برای مقابله با نفوذ رژیم صهیونیستی و آمریکا تبدیل شده است (Wastnidge, 2017: 149). اهمیت مسئله زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم سوریه بلندی‌های جولان را در جنگ ۱۹۶۷ م از دست داد و این منطقه اکنون در تصرف این رژیم است. ایران از سوریه حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل می‌آورد. برای مثال گفته شده است در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ میلادی دو وام به مبلغ، یک میلیارد دلار به حکومت سوریه اعطاء کرده است (Middle East Monitor, 2015).

ایران در منطقه خلیج فارس برابر عربستان سعودی، در قالب راهبرد پرچین‌سازی علاوه بر تلاش برای ایجاد بازدارندگی به صورت مستقیم، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با این کشور گسترش دهد، به علاوه ایران قصد دارد به جای مسلط شدن بر منطقه بر تعداد دوستان و متحدان خود در منطقه اضافه کند؛ گسترش رابطه با قطر، عمان و کویت در این رابطه قابل توجه است؛ به ویژه قطر با رویکردی عملگرایانه (Zaccara, 2021: 55)، از پرچین‌سازی استراتژیک در مسیر همسویی با ایران بهره می‌گیرد (Dersan Orhan, 2023: 1). روابط با عمان اگرچه در سطح یک اتحاد راهبردی نیست اما نقش ج.ا.ا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس توسط این کشور به رسمیت شناخته است (Albasoos &

(Et al, 2019). در مورد کویت نیز علی‌رغم اینکه همچون دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تلاش می‌کرد ایران بعد از انقلاب را مهار کند (Kechichian, 1989: 146)، اما بعد از حمله عراق کویت، تلاش کرده موازنه‌ای را در روابط میان ایران، عربستان سعودی و عراق ایجاد کند: به واقع اتحاد خود با اعراب را حفظ کرده اما سطح مشخصی از همکاری با ایران را نیز برقرار کرده است (Albloshi, 2017: 123). در مورد عراق بعد از حمله آمریکا به این کشور ایران دچار یک معمای امنیتی پیچیده شد. از یک طرف حکومت صدام حسین که دشمنی دیرینه‌ای با ایران داشت توسط یک ائتلاف غربی سرنگون شده بود از طرف دیگر ایران نگران حمله از طرف ایالات متحده به این از خاک عراق بود (Azizi, 2021). به همین خاطر، ایران با درک این تهدید تلاش کرد زمینه نفوذ آمریکا در عراق را به حداقل برساند. در نتیجه همه تلاش خود را برای جلوگیری از امضای موافقت‌نامه‌های امنیتی آمریکا با کشورهای منطقه‌ای معطوف کرده است؛ یعنی کشورهای عرب همسایه به خصوص آنهایی که قلمرویشان می‌تواند برای حمله به ایران مناسب باشد. با وجود این اجرای مانور نظامی مشترک، تسط ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و امارات متحده در دریای سرخ، منجر به ادراک اتحاد میان آن‌ها در جهت شکل دهی به یک ناتوی عربی به رهبری آمریکا برای مقابله با فزاینده ایران در منطقه شده است (Barzegar, 2018: 4). با وجود این بایستی دانست، جمهوری اسلامی ایران، با راهبرد پرچین‌سازی امارات متحده عربی در خلیج فارس کنار آمده است. در قالب این راهبرد، این کشور روابط دیپلماتیک و تجاری را با ج.ا.ا گسترش داده: در واقع می‌توان گفت امارات متحده عربی برای دهه‌ها نقش محوری در تجارت خارجی ایران ایفا کرده است، به ویژه دبی، که مرکزی برای تجارت ایرانی در خارج از کشور بوده است، دبی به عنوان بازار اصلی صادرات مجدد عمل کرده است، به ویژه از زمانی که تحریم‌ها اعمال شده است و به صورت همزمان توان نظامی خود را افزایش داده و وارد اتحاد و ائتلاف نظامی-امنیتی با آمریکا و عربستان سعودی شده است (El-Dessouki & Rafik Mansour, 2020: 395).

### ۳. سیاست ایران نسبت به ترکیه در غرب آسیا

#### از مصون‌سازی تا تلاش برای موازنه‌گری

ایران و ترکیه در دوران جنگ سرد روابطی مبتنی بر همکاری را تجربه کرده‌اند. چرا که در قالب ملاحظات جنگ سردی (تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش)، دو کشور در قالب بلوک سرد تعریف می‌شدند، در این راستا راهبرد نظامی - امنیتی ایران و ترکیه نسبت به هم

قالب انطباق راهبردی<sup>۱</sup> با سیاست های ایالات متحده آمریکا تعریف می شد. به همین خاطر هم بود که هر دو کشور از پایه گذاران پیمان بغداد بودند که البته بعد از وقوع کودتای عبدالکریم قاسم در عراق، مرکز این نهاد نظامی به ترکیه انتقال داده شد و در قالب سنتو مجدداً بازتعریف شد (Jafari and Yahyaabadi, 2012: 193-194). با وجود این، مجموعه عواملی در دوره بعد از جنگ سرد، الگوی حاکم بر روابط میان دو کشور را از الگوی همکاری جنگ سردی به سمت الگوی رقابت مبتنی بر همکاری به ویژه در فضای اورآسیا سوق داد. راهبرد سیاست خارجی ایران نسبت به ترکیه تا قبل از جنگ قره باغ و حوادث اخیر خاورمیانه در قالب مصون سازی<sup>۲</sup> معنا پیدا می کرد. البته برخی از اندیشمندان بر راهبرد مصون سازی بخش بندی شده<sup>۳</sup> به عنوان راهبرد سیاست خارجی ترکیه نسبت به ایران اشاره می کنند (Kang & Kim, 2017: 53).

در واقع ترکیه در این دوره در قالب سیاست کلان تنش صفر با همسایگان تلاش می کرد روابط دور از تنشی را با همسایگان ایجاد از جمله جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. راهبرد سیاسی - امنیتی ایران نسبت به ترکیه نیز از نوع مصون سازی بود. این کشور به دلیل شرایط حاکم بر روابط سیاسی خود در سطح بین المللی، برای انتقال منابع انرژی با انتخاب های محدودی روبه رو بود و موفقیت آنچنانی نیز به دست نیاورده است اما ترکیه به عنوان یک پل ارتباطی نقش خویش را در سایه حمایت های آمریکا به خوبی ایفاء کرده است. علاوه بر این عربستان در برابر جبهه عربستان و متحدین اش در منطقه به این کشور نیاز داشت. در نتیجه با وجود انتخاب های محدود، ایجاد و تقویت رابطه با تأکید بر عنصر انرژی به یک الزام در سیاست خارجی ایران نسبت به ترکیه تبدیل شده بود. در نتیجه ۱۰ درصد کل گاز صادراتی ایران از طریق ترکیه صادر می شد و با در نظر گرفتن اینکه بیش از ۱۴ درصد صادرات ایران در حوزه سوخت و تولیدات معدنی از جمله نفت و گاز بود، یکی از مهمترین منابع تأمین کننده درآمد اقتصادی ایران محسوب می شد و نوعی وابستگی متقابل اقتصادی میان دو کشور در حال شکل گیری بود، ایران به دلیل اتکا به نفت به عنوان نخستین تأمین کننده و دومین منبع گاز ترکیه (Abdi et al, 2021: 39)، یک کشور راهبردی برای اقتصاد سیاسی آنکارا محسوب می شود.

1. Strategic Accommodation

2. Hedging

3. Compartmentalized Hedging

جدول شماره ۱. جریان واردات ایران و ترکیه از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸

سال	صادرات ایران به ترکیه	واردات ایران از ترکیه	کل تجارت میان دو کشور
۲۰۰۹	۳۴۰۵۹۸۶	۲۰۲۴۵۴۶	۵۴۳۰۵۳۲
۲۰۱۰	۷۶۴۵۰۰۸	۳۰۴۴۱۷۷	۱۰۶۸۹۱۸۵
۲۰۱۱	۱۲۴۶۱۵۳۲	۳۵۸۹۶۳۵	۱۶۰۵۱۱۶۷
۲۰۱۲	۱۱۹۶۴۷۷۹	۹۹۲۱۶۰۲	۲۱۸۸۶۳۸۱
۲۰۱۳	۱۰۳۸۳۲۱۷	۴۱۹۲۵۱۱	۱۴۵۷۵۷۲۸
۲۰۱۴	۹۸۳۳۲۹۰	۳۸۸۶۲۰۷	۱۳۷۱۹۴۹۷
۲۰۱۵	۶۰۹۶۳۵۴	۳۶۶۳۷۶۰	۹۷۶۰۰۱۴
۲۰۱۶	۴۶۹۹۷۷۷	۴۹۶۶۱۷۶	۹۶۶۵۹۵۳
۲۰۱۷	۷۴۹۲۱۰۴	۳۲۵۹۲۷۰	۱۰۷۵۱۳۷۴
۲۰۱۸	۹۳۲۴۰۳۶	۲۳۹۲۷۷۸	۹۳۲۴۰۳۶

Source: Safavi & Nabavi, 2022: 143

در حالی که برخی چالش‌های سیاسی از جمله اختلاف نظر در بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه اثر گذاشته بود اما اقتصاد ایران و ترکیه در مسیر وابستگی اقتصادی متقابل قرار داشت و به نظر می‌رسید که ایران می‌تواند گاهی اوقات از این وابستگی ترکیه به منابع انرژی خود به عنوان سیاست دفاعی بدون اسلحه برای مهار ترکیه استفاده کند، به خصوص که طی این دوره زمانی عربستان سعودی با حمایت‌های آمریکا با حمله به یمن و مداخله در سوریه در مسیر برهم زدن موازنه قوا در منطقه عمل می‌کرد. در واقع آمریکا محور استراتژی حکومت بر خاورمیانه خود را از طریق متحدان منطقه ای یعنی رژیم صهیونیستی، ترکیه و عربستان سعودی قرار داده بود. به عبارت دیگر، مقرر شده بود که خلأ آمریکا را عربستان و رژیم صهیونیستی پر کنند. این سیاست به صورت جدی طی دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ دنبال می‌شد (Lakoff, 2013: 18). ایران با جدا کردن ترکیه از این محور تلاش کرد نظام موازنه قوا در منطقه در برابر عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا را حفظ کند.

موفقیت ایران از آنجا آغاز شد که ترکیه به بخشی از روند آستانه برای تغییر مسالمت آمیز قدرت در سوریه تبدیل شد. در واقع تهران از این طریق موفق شد ترکیه را در کنار خویش و سوریه قرار دهد و موازنه قوای منطقه ای را حفظ کند و آتش بس را بر گروه‌های مخالف دولت اسد تحمیل کند (گلرو و سنایی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). در نتیجه می‌توان گفت از

زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تهران به آنکارا به عنوان کشوری می‌نگرد که در موضوع کردهای عراق و همچنین سوریه شریک این کشور است اما در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی رقیب این کشور است (Ogutcu, 2007:105). در قفقاز جنوبی از راهبرد موازنه از بیرون با همراهی ارمنستان برای مهار محور ترکیه - جمهوری آذربایجان استفاده می‌کند و در شامات از راهبرد انطباق با این کشور بهره می‌گیرد: در واقع برای دور کردن ترکیه از محور عربی در سوریه، برخی از خواسته‌های این کشور توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد: همانطوری که در سطور پیشین نیز به آن اشاره شده در فرایند آستانه مربوط به آینده نظام سیاسی سوریه با این کشور مشارکت کرد (Kang & Kim, 2017: 53). در واقع ایران با پذیرش سیاست پرچین‌سازی تفکیک شده<sup>۱</sup> ترکیه، گسترش همکاری‌های اقتصادی با این کشور را یک اولویت برای خویش تعریف کرده بود. اگرچه روابط اقتصادی طی سالهای اخیر افول کرده است اما به ویژه در منطقه شامات، ایران به سمت راهبرد انطباق با ترکیه حرکت می‌کرد چرا که نمی‌خواست به صورت همزمان با عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی در آسیای جنوب غربی رقابت کند (Kang & Kim, 2016: 17).

با وجود این می‌توان ادعا کرد راهبرد سیاست خارجی ایران نسبت به ترکیه با توجه به حوادث قره باغ در سال ۲۰۲۲ و سرنگونی حکومت اسد در مسیر تغییر قرار دارد. در این زمینه رقابت ژئواکونومیک میان دو کشور به یک اصل کلیدی تبدیل خواهد شد. بر خلاف سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ که روابط میان ایران و ترکیه در مسیر بهبودی قرار داشت به نظر می‌رسد از سال ۲۰۲۲ بهبود روابط میان ایران و عربستان سعودی حاصل شده است. در واقع ایران در این شرایط قصد دارد با نزدیکی به عربستان سعودی موازنه‌قوای منطقه‌ای را به نفع خویش در برابر برتری طلبی‌های ترکیه و رژیم صهیونیستی حفظ کند. این کشور تا جای ممکن تلاش کرد در قالب راهبرد انطباق ترکیه را مهار کند اکنون که این راهبرد دستاورد لازم برای ایران را ندارد این کشور تلاش می‌کند موازنه‌گری را عملیاتی سازد (Ahmadian, 2024: 472)، تا از سرسپردگی به ترکیه اجتناب کند.

### نتیجه‌گیری

قدرت‌های نوظهور در کنار دو راهبرد سنتی در یعنی موازنه‌گری سخت و سرسپردگی از راهبردهایی همچون موازنه‌گری نرم، پرچین‌سازی، احاله مسئولیت و انطباق برای دستیابی

<sup>۱</sup>. Compartmentalized hedging

به اهداف سیاسی - امنیتی خود بهره می‌گیرند. جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت نوظهور در دو منطقه آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی - قفقاز از راهبردهای خاصی برای دستیابی به اهداف خود استفاده کرده است. در حالی که در آسیای مرکزی محوریت با راهبرد موازنه‌گری نرم در کنار روسیه و چین برای مهار سیستمی آمریکا است، در قفقاز جنوبی با بهره‌گیری موازنه‌گری از بیرون تلاش کرده است با همراهی ارمنستان جلوی توسعه طلبی ترکیه و جمهوری آذربایجان را سد کند. اما در آسیای جنوب غربی از راهبرد موازنه سخت مبتنی بر احاله مسئولیت به ویژه در منطقه شامات برای مهار رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند. شاید یکی از دلایل اینکه ایران در آسیای جنوب غربی به سمت موازنه‌گری سخت و در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به سمت راهبرد موازنه‌گری متمایل شده این باشد که در منطقه آسیای جنوب غربی قدرت بزرگی وجود ندارد که درک تهدیدی مشترکی با ایران داشته باشد؛ همانطوری که در آسیای مرکزی به عنوان مناطق نفوذ حیاتی روسیه و چین هر دو قدرت از همکاری با ایران استقبال کرده چرا که تهدیدات متصور مشترک از ناحیه آمریکا احساس می‌کنند. البته دلیل دیگر بهره‌گیری از راهبرد موازنه‌گری سخت نظامی به صورت انفرادی برای مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی در آسیای جنوب غربی این است که جمهوری اسلامی ایران مایل نیست باعث حضور نظامی قدرت‌های بزرگ در محیط پیرامونی خود شود چرا که به خوبی آگاه است که حضور دیگر قدرت‌های بزرگ در این مناطق، حوزه نفوذ حیاتی‌اش را محدود می‌نماید. در واقع جمهوری اسلامی ایران این درس را از صفویه به ارث برده است؛ جایی که پادشاهی صفویه برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس از بریتانیایی‌ها کمک گرفت اما بعدها همین سیاست باعث حضور بیش از دو قرن این کشور در مناطق نفوذ حیاتی ایران از جمله خلیج فارس شد. علاوه بر این ایران، راهبرد پرچین‌سازی امارات و ترکیه نسبت به را پذیرفته چرا که نمی‌خواهد به صورت همزمان با عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا در آسیای جنوب غربی رقابت کند. در آخر باید گفت که ایران آمریکا و رژیم صهیونیستی را تهدیدهای وجودی برای خود تعریف کرده به همین خاطر از راهبرد موازنه‌گری سخت برای مقابله با آن‌ها بهره برده است اما نسبت به بقیه کشورهای منطقه چنین ادراکی ندارد و در نتیجه به سمت راهبرد دیگری متمایل شده است.

جدول مقایسه ای راهبرد سیاسی - امنیتی ایران در دو منطقه آسیای مرکزی - قفقاز  
جنوبی و آسیای جنوب غربی

منطقه	نوع راهبرد	هدف	ابزار اصلی	شیوه دستیابی به هدف
آسیای مرکزی	موازنه‌گری نرم	مهار آمریکا	همکاری همه جانبه با روسیه و چین، عضویت در شانگهای و تلاش برای عضویت در اتحادیه اقتصادی اورآسیا	چند بعدی: سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
منطقه خلیج فارس	پرچین‌سازی راهبردی	مهار عربستان و امارات	گسترش روابط اقتصادی/ حفظ و بالا بردن توان نظامی داخلی	دو بعدی: سیاسی و نظامی - امنیتی
منطقه قفقاز جنوبی	موازنه‌گری سخت و پرچین‌سازی	مهار آمریکا، ترکیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان	موازنه‌گری از بیرون/ گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با جمهوری آذربایجان	سه بعدی: سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی
منطقه شامات	موازنه‌گری سخت	مهار رژیم صهیونیستی	بالا بردن توان موشکی، شبکه بازدارندگی نامتقارن و حضور در مناطق پیرامونی	تک بعدی: نظامی - امنیتی
منطقه آسیای صغیر	پرچین‌سازی	مهار ترکیه	گسترش روابط اقتصادی/ حفظ و بالا بردن توان نظامی داخلی	دو بعدی: اقتصادی، سیاسی، و نظامی - امنیتی

منبع: یافته‌های پژوهشگران با استفاده از داده‌های پژوهش (۱۴۰۳)

## منابع و مأخذ

### فارسی

- سلیمانی، هادی و عبادالله ملایی (۱۳۹۲)، «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۵، دوره ۱، صص. ۲۴-۷
- عابدی، اکبر و دیگران (۱۴۰۲)، «راهبرد سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه»، *فصلنامه روابط خارجی*، دوره ۳۲، شماره ۴، صص. ۱۳۲-۱۰۳
- Doi: (20.1001.1.10255087.1402.32.125.4.6)

قاسمی، فرهاد(۱۳۹۳)، «نظم نامتقارن سیستم‌های پیچیده و آشوب و راهبرد دفاع جامع در سیستم بازدارندگی»، *فصلنامه روابط خارجی*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص. ۲۱۹-۱۹۱

کریمی، غلامرضا، حدادزند، شیرین و مریم احمد پور(۱۳۹۱)، «نقش هند در استراتژی احاله مسئولیت چین»، *سیاست جهانی*، دوره ۱۱، شماره ۴، صص. ۱۶۹-۱۳۹.

مرشایمر، جان(۱۳۸۹)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، تهران، مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه

محمدی، منوچهر(۲۰۰۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، اصول و مسائل، تهران، دادگستر

گلو، عباس و اردشیر سنایی(۱۴۰۱)، *سیاست روسیه در قبال بحران سوریه با تأکید بر مذاکرات آستانه و سوچی*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و هفتم، شماره ۱۱۶، صص ۱۳۸-۱۲۱.

### لاتین

- Adarov, Amat & Mehdi Ghodsi(2021), "The impact of the Eurasian Economic Union-Iran preferential trade agreement on mutual trade at aggregate and sectoral levels", *Eurasian Economic Review*, vol 11, pages125-15
- Abasov, Namig (2014), *Iranian Foreign policy Toward Azerbaijan; Ideology Versus Pragmatism*, Available at:  
[https://www.researchgate.net/publication/350626235\\_IRANIAN\\_FOREIGN\\_POLICY\\_TOWARD\\_AZERBAIJAN\\_IDEOLOGY\\_VERSUS\\_PRAGMATISM](https://www.researchgate.net/publication/350626235_IRANIAN_FOREIGN_POLICY_TOWARD_AZERBAIJAN_IDEOLOGY_VERSUS_PRAGMATISM)
- Ahmed, Jesmine (2020), "the theoretical significance of foreign policy in international relations- An analysis, *Journal of Critical Reviews*, Vol. 7, Issue. 2, pp. 787-892
- Albasoos, Hani & Et Al (2019), "The Nature of Oman's Relations with Iran", *Journal of Arts and Social Sciences [JASS]*, Vol. 10, No. 5, pp5-14 (DOI:10.24200/jass.vol10iss1)
- Alboshi, Hamad H(2017), "Iran and Kuwait"(Accessed: 24/07/2023)at:  
[https://www.researchgate.net/publication/311895348\\_Iran\\_and\\_Kuwait](https://www.researchgate.net/publication/311895348_Iran_and_Kuwait).  
DOI:10.1007/978-3-319-43289-2\_6
- Aljazeera (2023), "China, Russia and Iran hold joint naval drills in Gulf of Oman "(Accessed: 22/08/2023) at: <https://www.aljazeera.com/news/2023/3/15/china-russia-iran-hold-joint-naval-drills-in-gulf-of-oman>
- Aster, Sidney(2008), "Appeasement: before and after revisionism", *Diplomacy and Statecraft*, Vol. 19, pp. 443-480. DOI: 10.1080/09592290802344962"
- Azizi, Hamidreza & Hamidreza Hamidfar(2021), *Continuity and Change in Iran's Approach toward the Nagorno-Karabakh Crisis (1997-2018)*, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 16, No 4, PP 165-189
- Azizi, Hamidreza (2021), "Challenges to Iran's role in Iraq in the post-Soleimani era: Complex rivalries, fragmented alliances, declining soft power", *SWP Comment*, No. 44, Berlin: Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), Berlin
- Azubuik Samuel (2006), "To Appease or to Concede? Contrasting Two Modes of Accommodation in International Conflict", Vol. 20, Issue 1(Accessed: 01/06/2023) at:  
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0047117806060928?journalCode=ireb>
- Barzegar, Kayhan(2018), *The Iranian Factor in the Emerging Balance of Power in the Middle East(Report)*(Accessed: 13/08/2022) at:  
[https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/58838894/Barzegar\\_Al\\_Jazeera-libre.pdf?1554813527=&response-content-disposition=inline%3B+filename%3DThe\\_Iranian\\_Factor\\_in\\_the\\_Emerg](https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/58838894/Barzegar_Al_Jazeera-libre.pdf?1554813527=&response-content-disposition=inline%3B+filename%3DThe_Iranian_Factor_in_the_Emerg)

- ing\_Balan.pdf&Expires=1700148203&Signature=PuJtW2TK0SoMKyxFgAVQujA-1HOAXS~wsBx5xRJOFSp6VhaU~k5ZiKyuyZGZa5SQNLnkY8hiCxBVxw-ITTGxcK1j-qpsGtub4sDF7hwyZ5c95RDw80LnS-CPKZkOF6YNUgTA4ZFsiTju~kYmltBqRtcn3adYW0QKUjqblYHO04hQ8qCGSUi0ExteMFBd4FeYuYzEy0HDoR2of-iSg~0TBocyev1dDbArGekceyKwz12NVa7Lm8GsovAdUW71CJHTEYF86AWqs-w7NwcBAKbvX3VAeaC7XnGZgLt298cKwLv7LQvnT8Iux-4C17-kZgI6x-cBvouExQR5WLSWVSl8Q\_\_&Key-Pair-Id=APKAJLOHF5GGSLRBV4ZA
- Bordachev, Timofei & Et al (2018), "The rise of rimland: the new political geography and strategic culture" (Accessed: 25/07/2023) at: <https://valdaiclub.com/files/28181/>
- Byman, Daniel (2014), "Sectarianism A conflicts' the new Middle East", *Survival*, 56(89).
- Chwee Kuik, Cheng (2016), "How Do Weaker States Hedge? Unpacking ASEAN states' alignment behavior towards China", *Journal of Contemporary China* (Accessed: 30/06/2023) at: [https://www.researchgate.net/profile/Cheng-Chwee-Kuik/publication/296689375\\_How\\_Do\\_Weaker\\_States\\_Hedge\\_Unpacking\\_ASEAN\\_states'\\_alignment\\_behavior\\_towards\\_China/links/5b791757299bf1d5a714aac4/How-Do-Weaker-States-Hedge-Unpacking-ASEAN-states'-alignment-behavzior-towards-China.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Cheng-Chwee-Kuik/publication/296689375_How_Do_Weaker_States_Hedge_Unpacking_ASEAN_states'_alignment_behavior_towards_China/links/5b791757299bf1d5a714aac4/How-Do-Weaker-States-Hedge-Unpacking-ASEAN-states'-alignment-behavzior-towards-China.pdf)
- Chandra, Vikash (2018), "India's accommodation in the emerging international order: challenge and process", *India Quarterly*, Vol. 74, No. 4, pp. 420-437.
- Clady, Lorenzo & Locateli Andrea (2015), "Structural Realism: Balancing, Bandwagoning, or What?", (Accessed: 23/06/2023) at: [https://www.researchgate.net/publication/297045712\\_Structural\\_Realism\\_Balancing\\_Bandwagoning\\_or\\_What/link/5b2bf7280f7e9b0df5ba4a1c/download](https://www.researchgate.net/publication/297045712_Structural_Realism_Balancing_Bandwagoning_or_What/link/5b2bf7280f7e9b0df5ba4a1c/download)
- Duygu Dersan Orhan, "Strategic Hedging or Alignment? Qatar's Foreign Policy Toward Iran in the Wake of the Blockade Crisis", *Uluslararası İlişkiler*, Vol. 20, No 80, 2023, pp. 93-109, (DOI:10.33458/uidergisi.1284183)
- El-Dessouki, Ayman & Ola Rafik Mansour (2020), "Small states and strategic hedging: the United Arab Emirates' policy towards Iran", *Review of Economics and Political Science*, Vol. 8 No. 5, 2023 pp. 394-407
- Flanagan, Stephen J (2013), "the Turkey-Russia-Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics", *the Washington Quarterly*, Vol.36, No.1, pp. 163-178
- Flemes, Daniel, "Emerging Middle Powers' Soft Balancing Strategy: State and Perspectives of the IBSA Dialogue Forum" (2007). GIGA Working Paper No. 57 (Accessed: 12/11/2023) at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1007692> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1007692>
- Gaspareto, Alberto (2021), "Iranian Attitudes toward Eurasia: Objective, Opportunities and challenge", *Journal for Iranian Studies*, Year 5, Issue 13, pp. 87-108
- He, Baogang (2012), "Politics of accommodation of the rise of China: the case of Australia", *journal of contemporary China*, Vol. 21, No. 73, pp. 53-70
- Hokeyem, Emile (2010), Iran and Lebanon (Accessed: 22/22/2023) at: [https://iranprimer.usip.org/sites/default/files/PDF%20Iran%20Region\\_Hokayem\\_Lebanon.pdf](https://iranprimer.usip.org/sites/default/files/PDF%20Iran%20Region_Hokayem_Lebanon.pdf)
- <https://doi.org/10.1177/0047117806060928>
- Juneau, Thomas & Sam Razavi (2013), *Iranian Foreign policy since 2001: Alone in the world*, New York: Rutledge

- Kang, Kim & Jaechun Kim (2016), "Turku-Iranian alignment: balancing ir band wagoning with Us?", *Journal of international and area studies*, Vol. 23, No. 1, pp. 17-32.
- Kang, Kim & Jaechun Kim (2017), "Compartmentalized Hedging in the Middle East : Turkey's Alternative Strategy towards Iran", *Korean Political Science Review*, Vol. 12, pp. 53-54
- Katzman, Keneth (2016), *Iran's foreign policy*, Washington: congressional research service
- Kaufman, Robert G(2008), "To balance or To ban wagon? Alignment Decisions in 1930s Europe", *Security Studies*, Vol. 1, Issue 3, pp. 417-447. <https://doi.org/10.1080/09636419209347477>
- Kechichian, Joseph A, (1989), "The Gulf Cooperation Council: Containing the Iranian Revolution", *Journal of south and Middle Eastern Studies*, Vol. 1 & 2, Retrieved from: [https://www.researchgate.net/publication/325112152\\_The\\_Gulf\\_Cooperatio\\_n\\_Council\\_Iran\\_and\\_the\\_limits\\_to\\_integration](https://www.researchgate.net/publication/325112152_The_Gulf_Cooperatio_n_Council_Iran_and_the_limits_to_integration)
- Kitchen, Nicholas (2023), "Strategy assessment and Grand strategy", (Accessed: 30/07/2023), [https://www.researchgate.net/publication/373302094\\_Strategic\\_Assessment\\_and\\_Grand\\_Strategy](https://www.researchgate.net/publication/373302094_Strategic_Assessment_and_Grand_Strategy)
- Kovac, Igor (2017), "Peaceful Accommodation: A New Research Program?", *International Studies Review*, Volume 21, Issue 2, June 2019, Pages 324–325, <https://doi.org/10.1093/isr/viz019>
- Krasnov K.G & Yurtaev, V. I (2016), "the foreign policy of Iran in the Middle East and the American strategy of "system containment", (Accessed: 25/06/2023) at: file:///C:/Users/Alborz/Downloads/15436-15141-1-PB.pdf. DOI: 10.22363/231306602016164616627
- Lane, Christopher(1998), "Rethinking American Grand Strategy: Hegemony or Balance of Power in the Twenty-First Century?", *World Policy Journal*, Vol. 15, No. 2, pp. 8-28-
- Larionova, Mila (2020), "Conceptualizing Soft Balancing Beyond Cold War. What's Changed, What Remains the Same?", *Central European Journal of International and Security Studies*, Vol. 14, no. 3: 65–91.
- Lobell, Steven E (2010), "Structural Realism/Offensive and Defensive Realism", (Accessed: 12/10/2023) at: [https://oxfordre.com/internationalstudies/display/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-304?trk=public\\_post\\_comment-text](https://oxfordre.com/internationalstudies/display/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-304?trk=public_post_comment-text)
- Mousavian, Seyed Hossein and Mohammad Reza Chitsazan (2020), "Iran's foreign policy in the Middle East: A grand strategy" (Accessed: 12/07/2023) at: [https://www.researchgate.net/profile/Mohammad-Chitsazian/publication/347935912\\_Iran's\\_Foreign\\_Policy\\_in\\_the\\_Middle\\_East\\_A\\_Grand\\_Strategy/links/5fe8a71692851c13fec5ff20/Irans-Foreign-Policy-in-the-Middle-East-A-Grand-Strategy.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Mohammad-Chitsazian/publication/347935912_Iran's_Foreign_Policy_in_the_Middle_East_A_Grand_Strategy/links/5fe8a71692851c13fec5ff20/Irans-Foreign-Policy-in-the-Middle-East-A-Grand-Strategy.pdf)
- Muslu El Berni, Hazal (2018), "Iran's Security Dilemma in The Middle East: A Neorealist Approach to Iran's Foreign Policy in Syria", *The Journal of Iranian Studies*, Vol. 1, No. 2, pp. 115-139
- Nichols, Michelle (2020), "Russia, China build case at U.N. to protect Iran from U.S. sanctions threat" (Accessed: 22/07/2023) at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-russia-china-idUSKBN23G2YR/>

- Noori, Alireza & Heidarali Masoudi (2022), "Re-Focusing on Iran-Russia Cooperation in the Syrian Crisis; A 'broader' Strategic Stability on Agenda", *Geopolitics*, Vol. 17, Issue. 64, pp. 156-185
- Nuruzzaman, Mohammad (2009), "Iran on the global stage: assessing Iranian power and limitation", *Pakistan Journal of International Relations*, Vol. 1, No. 1, pp. 5-22
- Paul, T.V (2007), "the accommodation of rising powers in world politics" (Accessed: 25/06/2023) at: [https://assets.cambridge.org/97811071/34041/excerpt/9781107134041\\_excerpt.pdf](https://assets.cambridge.org/97811071/34041/excerpt/9781107134041_excerpt.pdf)
- Paul, T.V (2016), *Accommodating Rising Powers: Past, Present and Future*, Cambridge: Cambridge University Press
- Reuters (2019), "Russia, China, Iran starts joint naval drills in Indian Ocean", (Accessed: 26/08/2023) at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-military-russia-china-idUSKBN1YVOIB/>
- Schweller, Randall L(2002), missed opportunities and unanswered threats: domestic constraints on the balance of power(Accessed: 22/09/2023)at: [https://www.researchgate.net/profile/Randall-Schweller/publication/228735329\\_Missed\\_Opportunities\\_and\\_Unanswered\\_Threats\\_Domestic\\_Constraints\\_on\\_the\\_Balance\\_of\\_Power/links/02e7e53bc006f89391000000/Missed-Opportunities-and-Unanswered-Threats-Domestic-Constraints-on-the-Balance-of-Power.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Randall-Schweller/publication/228735329_Missed_Opportunities_and_Unanswered_Threats_Domestic_Constraints_on_the_Balance_of_Power/links/02e7e53bc006f89391000000/Missed-Opportunities-and-Unanswered-Threats-Domestic-Constraints-on-the-Balance-of-Power.pdf)
- Shariatinia, Mohsen & Hamidreza Azizi (2019), "Iran and the Belt and Road Initiative: Amid Hope and Fear", *Journal of Contemporary China*, Vol. 28, Issue 120, pp. 984-994
- Snyder, Gleen H (2014), *Mearsheimer's world*, London: Routledge
- Sweeney, Kevin & Paul Fritz (2004) Jumping on the Bandwagoning: An Interest- Based Explanation for Great power Alliances, *the Journal of Politics*, Vol. 66, No. 2, pp. 428-449
- Tabarani, Gabriel G (2006), **How Iran plans to fight Amarica and dominate the Middle East**, Indiana: Author house
- Treisman, Daniel (2004), Rational Appeasement, *International Organization*, Vol. 58, pp+ 345–373, DOI: 10+10170S002081830458205X
- Vidal, Li. Lopez I & Angels Pelegrin (2018), "Hedging against China: Japanese Strategy towards a Rising Power", (Accessed: 25/06/2017) at: <https://diposit.ub.edu/dspace/bitstream/2445/125428/1/675140.pdf>
- Vol. 9, No. 2 (2007), pp. 105-115
- Wilkins, Thomas (2021), "Middle power hedging in the era of security/economic disconnect: Australia, Japan, and the Special Strategic Partnership", *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol. 23, Issue 1, pp. 93-127
- Wolff, Andrew T(2015), "The future of NATO enlargement after the Ukraine crisis", *International Affairs*, Vol. 9, No. 5, PP.1103-1121.
- Zaccara, Luciano (2012), "Qatar and Iran: Regional Roles, Risks and Opportunities", (Accessed: at:[https://www.researchgate.net/publication/354852036\\_Qatar\\_and\\_Iran\\_Regional\\_Roles\\_Risks\\_and\\_Opportunities](https://www.researchgate.net/publication/354852036_Qatar_and_Iran_Regional_Roles_Risks_and_Opportunities) in book: Iran's Interregional Dynamics in the Near East,
- Zaccara, Luciano(2016), "Iran's Permanent quest for regional power status" (Accessed: 28/07/ 2023)at: [https://www.researchgate.net/profile/Luciano-Zaccara/publication/309307530\\_Iran%27s\\_Permanent\\_Quest\\_for\\_Regional\\_Power\\_Status/links/5e8318ba299bf130796aa59b/Trans-Permanent-Quest-for-Regional-Power-Status.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Luciano-Zaccara/publication/309307530_Iran%27s_Permanent_Quest_for_Regional_Power_Status/links/5e8318ba299bf130796aa59b/Trans-Permanent-Quest-for-Regional-Power-Status.pdf)

- Lakoff, Sanford (2013), "Leading from Behind: The "Obama Doctrine" and US Policy in the Middle East", Strategic Assessment, Vol. 16, No.1, pp. 7-19, p.15
- Kang, Wiliam. Y & JaeChun (2017), **Compartmentalized Hedging in the Middle East: Turkey's Alternative Strategy towards Iran**, Korean Political Science Review 51(6):53-74, DOI:10.18854/kpsr.2017.51.6.003
- Ahmadian, H. (2024). Weathering a Global Transition: The Middle East's Balancing Momentum. Journal of World Sociopolitical Studies, 8(3), pp.465-492. <https://doi.org/10.22059/wsps.2024.379844.1452>
- Safavi, Seyed Hamzeh & Seyed Mahdi Nabavi (2022), Economic Factors Affecting the Future of Iran-Turkey Relations on the Horizon of 2030, Journal of Iran and Central Eurasia Studies, Summer 2022, 5(1): 137-165
- Fiske, G. (2013, April 22). Peres discusses Iranian threat with Azerbaijan. Available at, Times of Isreal: <http://www.time-sofisrael.com/peres-discusses-iranian-threat-with-azeri-fm>
- Gevorgyan, Anna (2023), Red Lines and Green Lights: Iran's Balancing Policy in the South Caucasus, Vol. 16: Analytical Bulletin, Available at: <https://analytical-bulletin.cccs.am/index.php/ab/article/view/185>